

روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در تفسیر قرآن

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی*

چکیده

در مطالعات قرآنی، از شیوه‌های متنوعی استفاده می‌شود که به ویژه در یک قرن اخیر، با شیوه‌های جدیدی مورد آزمون قرار گرفته است. در این نوشتار، به روش مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه‌ی علوم طبیعی یا انسانی و تفسیر قرآن می‌پردازیم. هم‌چنین فرآیند، مبانی و آسیب‌های این روش را مورد بررسی قرار داده، برای هر کدام مثال‌هایی نیز خواهیم آورد.

واژه‌های کلیدی: ۱- قرآن ۲- روش تحقیق ۳- مطالعات قرآنی ۴- میان‌رشته‌ای

۱. طرح مسأله

روش تحقیق در مطالعات قرآنی گاه درون‌متنی مثل تفسیر قرآن به قرآن، و گاه برون‌متنی، و گاه تطبیقی و میان‌رشته‌ای است. ریشه‌های این روش‌ها از دیرباز در کتب تفسیری وجود داشته، ولی به صورت نظام‌مند، در قرن اخیر مطرح شده است. روش تحقیق میان‌رشته‌ای موجب رشد و بالندگی در حوزه پژوهش‌های قرآنی شده، گاه به تولید علم منتهی می‌شود و گاه به چالش‌های این مباحث می‌پردازد. از این رو بررسی فرآیند، مبانی و آسیب‌های مطالعات میان‌رشته‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. پیشینه

یکی از حوزه‌های تحقیقات قرآنی، مطالعات تطبیقی بین قرآن و علوم تجربی است که از دیرباز مورد توجه مفسران قرآن و برخی صاحب‌نظران و متخصصان علوم طبیعی و انسانی بوده است.^۱

نخستین نمونه‌های تفسیر میان‌رشته‌ای را می‌توان در آثار بوعلی سینا یافت. شیخ

الرییس ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ق)، فیلسوف و پزشک مشهور ایرانی واژه‌ی «عرش» در آیه‌ی «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ» (حاقه/۱۷) را به فلک الافلاک (فلک نهم هیئت بطلمیوسی) و «ملآنکه» هشت‌گانه را به افلاک هشت‌گانه (قمر، خورشید، زهره، عطارد، زحل، مشتری، مریخ و فلک ثوابت) تفسیر نموده است (۲، ص: ۱۲۴ و ۴، ج ۲، ص: ۴۲۶).

فخر رازی (م. ۶۰۶ ق) نیز در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، برخی مطالب علمی را با آیات قرآن تطبیق کرده است. او با آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» (بقره/۲۲) استدلال می‌کند که زمین ساکن است (۵، ج ۲، ص: ۹۴). وی در ذیل آیه ۱۶۴ سوره بقره، فلکیات قدیم و آرای بطلمیوس و قدمای هند و چین و بابل و مصر و روم و شام را مورد بررسی قرار می‌دهد.

علامه محمد باقر مجلسی (م. ۱۱۱۱ ق)، صاحب کتاب بحار الانوار، در برخی از مجلدات این کتاب، مطالبی درباره‌ی آسمان‌ها آورده و در موارد متعددی به تفسیر علمی پرداخته است؛ از جمله در مورد آیه‌ی ۲۹ سوره بقره می‌گوید:

سبع سموات [در آیه شریفه] بدل یا تفسیر [اسماء] است و هفت گانه بودن آسمان‌ها، منافاتی با نه‌گانه بودن آن‌ها - که در علم نجوم ثابت شده است - ندارد؛ زیرا آسمان هشتم و نهم در زبان دینی، به کرسی و عرش تعبیر شده است (۱۳، ج ۵۷، ص: ۵).

طنطاوی (م. ۱۸۶۲ م)، صاحب تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن؛ به صورت گسترده، به تفسیر علمی پرداخته است. تفسیر وی را می‌توان اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید. او بارها، از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده است؛ از جمله، علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی‌اسرائیل (بقره/۷۲-۶۷) استخراج کرده است. وی در هر مبحث تفسیری، بسیاری از علوم جدید را در لابه‌لای تفسیر خود می‌آورد (۱۰، ج ۱، صص: ۸۹-۸۴).

دکتر محمد بن احمد الاسکندرانی، صاحب کتاب کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فی ما يتعلق بالاجرام السماویة و الارضیة و الحیوانات و النبات و الجواهر المعدنیة (چاپ ۱۸۸۰ م) نیز از پیشگامان تفسیر علمی در عصر جدید است.

عبدالرزاق نوفل از نویسندگان مصری است که حداقل پنج کتاب در مورد تفسیر علمی با عناوین ذیل نوشته است: القرآن و العلم الحدیث، الله و العلم الحدیث، الاسلام و العلم الحدیث، بین الدین و العلم...

البته برخی صاحب نظران مثل علامه طباطبایی(ره) با روش علمی تطبیقی مخالفت کرده و می‌نویسند: «انما الکلام فی أنّ ما آورده علی مسالک السلف من المفسرین» «آن‌ذک تطبیقاً و لیس بتفسیر» وارد بعینه علی طریقتهم فی التفسیر» (۹، ج ۱، صص: ۸ - ۷ با

تلخیص)؛ «آن اشکالی که بر روش تفسیر علمای گذشته وارد کرده‌اند که تفسیر نیست، بلکه تطبیق است (همان اشکال)، بر ایشان نیز وارد است».

البته خود علامه نیز، در تفسیر بعضی از آیات قرآن، از علوم تجربی و نتایج آن‌ها کمک می‌گیرد؛ چنان‌که در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء/۳۰)؛ «و حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم»، می‌فرماید «منظور این است که آب، دخالت کاملی در وجود هر موجود زنده‌ای دارد... و در بحث‌های علمی جدید، ارتباط حیات با آب واضح شده است» (انبیاء/۳۰).

ایشان در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات/۴۷) می‌فرماید «مراد، توسعه‌ی خلقت آسمان است؛ همان‌طور که علوم ریاضی، امروزه به این مسأله نظر دارند» (۹، ج ۱۸، ص: ۳۸۲).

این دو نوع برخورد علامه و دیگر صاحب نظران با تفسیر علمی بدین جهت است که تفسیر علمی، چند نوع مختلف دارد، مثل: استخراج همه‌ی علوم از قرآن، تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن، استخدام علوم در فهم قرآن، که همگی حکم واحدی ندارند؛ از این‌رو، علامه در شمار قایلان به تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود.

باید یادآوری نمود که روش تفسیر علمی اگر به صورت استخراج همه‌ی علوم از ظواهر قرآن باشد، معتبر نخواهد بود، چون مبنای آن مخدوش است (۶، ص: ۳۷۸). و اگر به صورت تطبیق علوم بر قرآن باشد، چنان‌چه منتهی به تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن شود (باطل و ممنوع است چون) نوعی تفسیر به رأی است. ولی اگر صرف مقایسه‌ی دیدگاه‌های دانشمندان علوم تجربی با آیات قرآن در یک موضوع، مثل آغاز و فرجام آفرینش، باشد مانعی ندارد، بلکه گاهی به روشن‌تر شدن معنای آیات علمی قرآن می‌انجامد و حتی گاهی اعجاز علمی قرآن را به اثبات می‌رساند (۸، ج ۱، ص: ۸۱).

۳. تقسیم مطالعات قرآنی به میان رشته‌ای و تک رشته‌ای

روش‌های تحقیق در قرآن گاه بر اساس اطلاعات و روش موجود در رشته‌ی تفسیر و علوم قرآن است و گاه بر اساس اطلاعات و روش‌های دو یا چند رشته‌ی علمی. از این نگاه، روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن به دو شاخه تک‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای تقسیم می‌شود.

۳.۱. روش تحقیق تک رشته‌ای

مقصود از رشته در این‌جا، رشته‌ی تفسیر و علوم قرآن است؛ از این رو تمام اطلاعات و روش‌های موجود در این رشته را شامل می‌شود که طیف نسبتاً وسیعی از اطلاعات و قرائن

درون قرآنی و برون قرآنی را دربرمی گیرد؛ یعنی در این شیوه، علاوه بر استفاده از آیات قرآن، از قراین نقلی، مثل روایات تفسیری، قراین عقلی استفاده می شود که هر کدام روش تحقیق خاص خود را دارد و در مبحث قبل، توضیح داده شد.

تذکر: برخی مسایل و موضوعات قرآنی ممکن است یک تباری باشد، از این رو در یک رشته علمی مورد بررسی قرار می گیرد. این موضوعات ظرفیت بررسی میان رشته‌ای را ندارند. شاید بتوان مسایل مربوط به جزییات معاد را از این دست شمرد.

۲.۳. روش تحقیق میان رشته‌ای^۲

مقصود از تحقیق میان رشته‌ای، این است که یک مسأله از دیدگاه دو دانش مورد بررسی قرار گیرد و از آن جا که بسیاری از مسایل و موضوعات قرآنی چند تباری هستند، لازم است که به صورت میان رشته‌ای مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرند.

البته استفاده از مطالعات و تحقیقات میان رشته‌ای منافاتی با استفاده از روش‌های مختلف مطالعات برون قرآنی و تطبیقی ندارد، بلکه گاهی استفاده از آن‌ها در تحقیقات میان رشته‌ای ضروری است.

مطالعات میان رشته‌ای را این گونه تعریف کرده‌اند: «مطالعات میان رشته‌ای کثرت‌گرایی روش‌شناختی مبتنی بر گفت و گو و چالش مؤثر بین گستره‌ها در تحلیل مسأله‌ای واحد است. به دیگر سخن، شناخت یک پدیدار در پرتو گفت و گوی مؤثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف است» (۱۲، ص: ۳۳۴).

محقق در مطالعه میان رشته‌ای پای بند اصول زیر است:

۱. دیگران نیز شاید از حقیقت برخوردار باشند؛
۲. سخن دیگران را باید با هم‌دلی و در عین حال، نقادانه شنید،
۳. چالش بین دیدگاه‌ها، مجالی برای چالش بین رویکردهاست،
۴. در چالش بین رهیافت‌ها، می توان از روش‌های مطالعه‌ی تطبیقی بهره جست (همان، ۳۳۷).

کثرت‌گرایی روشمند (= تنوع روش‌های ناظر به مسأله‌ی واحد) از جهت برنامه‌ی پژوهشی دو گونه است:

۳.۳. کثرت‌گرایی مبتنی بر برنامه‌ی مکانیکی

در این روش، محقق آرای مختلف را از علوم گوناگون اخذ می کند، اما هر یک از آرا را با طرح و برنامه‌ی پیشین، در نظام معرفتی معینی جای می دهد. این رویکرد گستره‌ای از معارف را چونان ریشه، حفره‌ای دیگر را هم چون تنه و سومی را به مثابه‌ی شاخه و برگ نظام خود قرار می دهد. در این برنامه، محقق با دوری از حصرگرایی روش‌شناختی، از

دیدگاه‌های مختلف بهره‌مند می‌شود و نسبت به هیچ دیدگاهی، اعراض و انکار نمی‌ورزد، این روش به جمع آرا می‌انجامد. برای مثال، برخی افراد اقبال ملاصدرا به دانش‌های مختلف (فلسفه، تفسیر قرآن و عرفان) را در مسایل مبدأ و معاد، بر اساس همین مدل تحلیل کرده‌اند (۱۲، ص: ۳۳۲).

تذکر: بهتر است این شیوه‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای را روش مطالعات تطبیقی بین‌رشته‌ای بنامیم که برخی افراد در دهه‌های گذشته، در حوزه‌ی تفسیر علمی، همین‌گونه عمل کرده‌اند؛ یعنی مطالب علوم جدید را بر آیات قرآن تطبیق کرده‌اند هر چند گاهی این تطبیق بدون رعایت ضوابط و هم‌خوانی با ظاهر آیات بوده است. از این رو این شیوه گاهی به تفسیر به رأی نیز منتهی شده است و علامه طباطبایی آن را «تطبیق» نامیده و مردود شمرده است (۹، ج ۱، صص: ۷-۸).

۴.۳. کثرت‌گرایی مبتنی بر برنامه‌ی دینامیکی

در این شیوه، محقق در آرای مختلف به طریقی پویا، تصرف و ترکیب می‌نماید که در این میان، به دیدگاهی ژرف‌تر برسد. کثرت‌گرایی در این معنی، برنامه‌های پژوهشی مختلفی دارد. یکی از کارآمدترین روش‌ها، چالش یا گفت و گوی مؤثر بین دیدگاه‌ها است. به همین دلیل، چنین مطالعه‌ای را کثرت‌گرایی دیالکتیکی و یا مطالعه میان‌رشته‌ای می‌نامیم.

محقق در این روشن، دیدگاه‌های دیگر را مردود و پوچ و بی‌ثمر نمی‌انگارد و خود را محتاج مواجهه‌ی جدی و با برنامه نسبت به آن‌ها می‌داند و طریق مواجهه با آن‌ها را روش گفت و گوی مؤثر می‌نامد که به‌وسیله‌ی هنر شنیدن، اثربخش می‌گردد (۱۲، صص: ۲۳۳-۲۳۲).

۴. قلمرو و محدودیت‌ها

مسئله‌ای نیازمند مطالعات میان‌رشته‌ای است که چند تباری^۳ باشد. مسئله‌ی چند تباری به دلیل کثیرالاضلاع و ذوب‌تون بودن، ریشه در علوم مختلف دوانده است (همان، ۲۳۵). پس در مسایل و موضوعاتی که یک تباری است شیوه‌ی مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای کاربرد ندارد.

برای مثال، «خودکشی» پدیده‌ای است که عوامل مختلف دارد و عوامل جامعه شناختی، فرهنگی و ... از جمله مطالب دینی در پیش‌گیری از آن مؤثر است؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره/۱۹۵).

پس برای تبیین دقیق این مسأله‌ی چند تباری، محتاج مطالعه میان‌رشته‌ای هستیم. مثال دیگر، «کارکردهای دین» و کارکردهای آموزه‌های قرآنی است که تبیین دقیق آن‌ها محتاج دانش‌هایی هم‌چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و تمدن، فلسفه‌ی دین، الاهیات و ... است؛ همان‌طور که با ابزارهای تجربی و تحلیلی، نیز تحلیل‌پذیر است (۱۲، صص: ۲۳۵ - ۲۳۶).

در عصر حاضر، مطالعات میان‌رشته‌ای در مورد قرآن، بسیار مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است،^۴ چرا که در چند مورد مفید و مؤثر است.

۱. تفسیر آیات علمی و تبیین موضوعات علمی قرآن؛

۲. جهت دهی به مبانی علوم به‌ویژه علوم انسانی؛

۳. رفع توهم تعارض علم و دین؛

۴. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی؛

۵. تولید علم جدید؛ همان‌طور که امروزه روان‌شناسی دین و جامعه‌شناسی دین شکل گرفته است.

مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای قرآنی در حوزه‌های مختلف علوم بشری شکل گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اول) حوزه‌ی علوم طبیعی، مثل قرآن و بهداشت، قرآن و نجوم (کیهان‌شناسی)، قرآن و علوم پزشکی و ...؛

دوم) حوزه‌ی علوم انسانی، مثل قرآن و روان‌شناسی، قرآن و علوم تربیتی، قرآن و جامعه‌شناسی، قرآن و اقتصاد، قرآن و سیاست، قرآن و حقوق، قرآن و هنر و ...؛

سوم) حوزه‌ی علوم عقلی، مثل قرآن و فلسفه، قرآن و کلام و قرآن و ریاضیات و ...؛

چهارم) حوزه‌ی علوم شهودی، مثل قرآن و عرفان و

۵. مبانی مباحث میان‌رشته‌ای

این شیوه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی، مبانی و قواعد و آسیب‌های خاص خود را دارد که در

این‌جا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۵. ۱. جواز و حجیت تفسیر علمی

از آن‌جا که مفسر قرآن، در تفسیر آیات، مطالب را به خدا نسبت می‌دهد، نیازمند دلایل و قراین قطعی و علمی است که گاهی از آیات دیگر قرآن و روایات معصومین علیه السلام و برهان‌های عقلی اخذ می‌شود. یافته‌های علوم نیز هر گاه قطعی یا اطمینان‌آور باشند، می‌توانند قرینه‌ی فهم و تفسیر آیات قرار گیرند و در این صورت تفسیر قرآن با آن‌ها جایز

است. به عبارت دیگر، از آن‌جا که حجیت علم قطعی ذاتی است، چنین تفسیری معتبر و حجّت است.

لازم است یادآوری شود که هرچند مطالب قطعی و اطمینان‌آور در علوم طبیعی و انسانی اندک است، این مطلب به اصل این مدعا زیان نمی‌زند. در ادامه، در مورد مطالب ظنی و نظریه‌های علمی نیز سخن خواهیم گفت.

سرچشمه‌های تفسیر علمی را در احادیث اهل بیت علیه‌السلام و تفاسیر قدیمی قرآن نیز می‌توان یافت (۶، صص: ۳۴۶ - ۲۹۲). روایات کیهان‌شناسی، طبی، اقتصادی، حکومتی و سیاسی و... در میراث اسلامی فراوان وجود دارد، هرچند نیازمند پالایش است. این روایات از جمله سیره‌ی مستمره‌ی متصل به سیره‌ی معصومین علیه‌السلام را در این مورد نشان می‌دهد و دلیلی بر این مدعاست که ایشان در بسیاری از آیات قرآنی، به طرح مباحث علمی پرداخته‌اند.

۵.۲. ممنوعیت کاربرد غیر علمی در تفسیر آیات

یکی از مبانی تفسیر این است، که مراد از تفسیر قرآن، کشف معانی و مقاصد آیات و بیان آن‌ها است؛ به عبارت دیگر، بیان مراد استعمالی و جدّی خدا در آیات قرآن هدف اصلی مفسر است. این کشف و بیان نیاز به دلیل و قرینه دارد، ولی از هر قرینه و دلیلی نمی‌توان برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرد، چرا که برخی را عقل نمی‌پذیرد و برخی از طرف شارع ممنوع شده است.

از این رو لازم است اعتبار دلایل و قراین در تفسیر ارزیابی شود. هر دلیل یقینی و علمی، قطع‌آور است و حجیت قطع ذاتی است (۱۴، ج ۳، ص: ۲۱). بنابراین اگر دلیل و قرینه‌ی یقینی برای تفسیر آیه‌ای وجود داشت، تفسیر قرآن بر اساس آن جایز است. هرچند اکثر مطالب علوم تجربی نظریه‌های علمی بوده، قطع‌آور نیست، برخی از مطالب علوم تجربی که به حدّ بدهت حسی رسیده یا با دلیل عقلی، هم‌چون ریاضیات، پشتیبانی می‌شود، می‌تواند یقینی باشد. برای مثال، گردی و حرکت زمین و نیروی جاذبه‌ی آن از مواردی است که در عصر ما به حدّ بدهت حسی رسیده است. پس می‌توان آیات قرآن را بر اساس آن‌ها تفسیر کرد.

۵.۳. گستره و قلمرو قرآن و علوم

در این‌جا می‌توان از سه دیدگاه حداکثری (وجود همه‌ی جزئیات علوم در قرآن) و دیدگاه حداقلی (نفی مطالب علمی از قرآن) و دیدگاه اعتدالی یاد کرد؛ چرا که از یک طرف از ظاهر برخی آیات مثل «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) استفاده کرده‌اند که همه‌ی جزئیات علوم بشری در قرآن وجود دارد. ولی برخی دانشمندان و مفسران بر

اساس آیات دیگر و قراین لَبّی (عقلی) بیان کرده‌اند که مقصود از آیه آن است که کلیات مطالب مربوط به هدایت بشر در ظواهر قرآن وجود دارد.

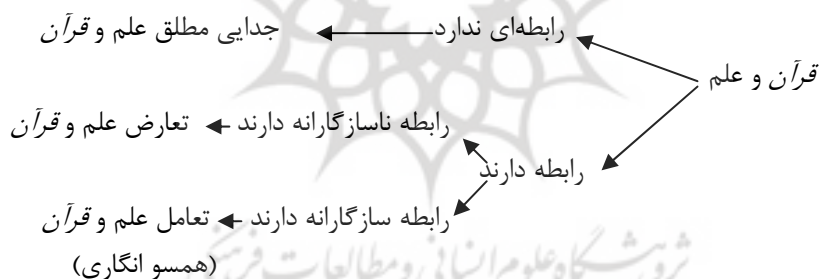
از طرف دیگر، برخی قرآن را کتاب آخرت و بی‌ارتباط با مباحث علمی دانسته‌اند و از طرف سوم، می‌توان دیدگاه اعتدالی را طرح کرد که بر اساس آن نباید انتظار داشته باشیم همه‌ی جزئیات علوم بشری از قرآن استخراج شوند؛ بلکه قرآن خطوط کلی را در راستای هدایت بشر به سوی خدا بیان کرده است، اما در همین راستا، اشارات زیادی به علوم طبیعی، انسانی، عقلی و عرفانی دارد.^۵

این خطوط اساسی و اشارات علمی می‌تواند در جهت‌دهی به علوم بشری، به ویژه علوم انسانی، کاملاً مؤثر شود، تا آن‌جا که به تولید علم جدید منتهی گردد.^۶

باید یادآوری کرد که هدف هدایتی قرآن با آنچه علوم انسانی (مثل علوم تربیتی، سیاسی و ...) در اختیار آنان قرار می‌دهد گره خورده است؛ از این رو میان قرآن و علوم انسانی تعامل زیادی وجود دارد، در حالی که این تعامل در میان قرآن و برخی علوم، مثل علوم طبیعی، کم‌تر است.

۵. ۴. قرآن و علم، رابطه‌ی سازگارانه دارند

در مورد رابطه‌ی قرآن و علم تجربی چند فرض قابل تصور است.



مشاهده‌ی دهها مورد تشویق به علم در این کتاب و بیش از هفتصد بار به کار رفتن ماده‌ی علم در آن و اشاره به علوم تجربی در بیش از هزار آیه‌ی قرآن، تردیدی باقی نمی‌گذارد که فرض اول و دوم باطل است.

بنابراین نه‌تنها نشانه‌ای بر علم ستیزی در قرآن وجود ندارد، بلکه دلایل فراوانی بر علم‌پذیری این کتاب آسمانی در دست است.

۵. ۵. تعارض واقعی بین قرآن و علم وجود ندارد

تعارض واقعی بین علوم و آیات قرآن وجود ندارد و اگر تعارضی ظاهری بین آن‌ها پدیدار شود با اندک تأملی برطرف می‌شود. به عبارت دیگر، در موارد تعارض، یکی از دو احتمال وجود دارد:

یک. خطا در مقدمات علم تجربی؛

دو. خطا در فهم دلالت آیه قرآن.

بنابراین در هنگام تعارض ظاهری، باید به دنبال راه‌های منطقی و معقول باشیم. برای مثال، اگر گزاره‌ی قرآنی «سَبَّحَ سَمَوَاتٍ» (بقره/۲۹) با یافته‌های کیهان‌شناسی در مورد وجود یک آسمان معارض بیفتد، به چند صورت می‌توان توهم تعارض را حل کرد (البته ممکن است هر کدام از این راه‌کارها در برخی آیات قرآن مفیدتر باشد):

الف) ممکن است واژه‌ی «سبح» عدد حقیقی نباشد، بلکه عدد کثرت باشد و منظور از آن تعداد زیادی کهکشان و... باشد. هم‌چنین ممکن است واژه‌ی «سموات» نه به معنای جایگاه ستارگان، بلکه به معنای جوّ زمین باشد؛ مثل آیه «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (بقره/۲۲) و ...

ب) ممکن است زبان قرآن و زبان علم در این مورد متفاوت باشد؛ یعنی مقصود از آسمان در کیهان‌شناسی، جایگاه ستارگان و سیارات و منظور از «سماء» در قرآن، آسمان معنوی باشد؛ همان‌طور که علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ» (سجده/۵) احتمال دادند (۹، ج ۱۶، ص: ۲۴۷ و ج ۱۹، ص: ۳۲۷).

ج) ممکن است گفته شود مسأله‌ی هفت آسمان یک حقیقت قرآنی است که هنوز علوم تجربی آن را کشف نکرده‌اند و همه‌ی کهکشان‌ها که کشف شده‌اند آسمان اول است. بنابراین می‌توان آن را به صورت نظریه‌پردازی قرآنی در صحنه‌ی علوم تجربی مطرح کنیم و به دنبال شواهد تجربی آن باشیم.

۵. ۶. هدف اساسی قرآن هدایت به سوی خداست (نه بیان مطالب علوم)

قرآن کریم در آیات متعددی به اهداف خود اشاره کرده است و بالاترین هدف خود را هدایت مردم و خارج ساختن آن‌ها از ظلمت‌ها به سوی نور معرفی کرده است (بقره/۲، اعراف/۲۰۳ و یونس/۵۷).

«الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم/۱)؛ «الف، لام، راه، [این] کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، به‌خاطر این که مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری؛ به سوی راه (خدای) شکست‌ناپذیر [و] استوده».

البته اهدافی مقدماتی هم‌چون بشارت، هشدار، شفا، رحمت و عدالت را نیز مطرح ساخته است (فرقان/۱؛ حدید/۲۵ و یونس/۵۷).

قرآن کل نظام هستی را نیز هدفمند معرفی می‌کند. در گفتمان قرآن کاروان هستی از خدا شروع شده و به سوی همو در حرکت است (بقره/۴۶ و ۱۵۶).

توجه به هدفمندی قرآن و هدایت‌گری آن تأثیرات مهمی در فهم و تفسیر قرآن دارد؛ چرا که به تفسیر قرآن جهت می‌دهد؛ یعنی مفسر قرآن در صورت وجود چنین پیش‌فرضی به همهی آیات با نگاه هدایت‌گرانه می‌نگرد و با این رویکرد آن‌ها را تفسیر می‌کند. برای مثال، اشارات علمی قرآن و احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن، همگی در راستای هدایت بشر به سوی خدا معنا و تفسیر می‌شود. بنابراین تفسیری از آیات قرآن که با هدایت‌گری و اهداف قرآن منافات داشته باشد اعتبار نخواهد داشت.

۶. شیوه‌های اجرای مباحث بین‌رشته‌ای

پژوهش بین‌رشته‌ای را می‌توان به سه صورت تصور کرد. الف) بررسی آرای دانشمندان علوم و مفسران قرآن به صورت مقارن، که نتیجه‌ی آن تضارب آرا و تقریب افکار دانشمندان دو حوزه است. ب) بررسی یک موضوع از منظر قرآن و علم خاص، مثلاً بررسی مشروعیت حکومت از منظر قرآن و علوم سیاسی، که نتیجه‌ی آن بیان دیدگاه‌ها در برابر هم‌دیگر و امکان بررسی مقارنه‌ای یک موضوع از دو زاویه است. ج) بررسی یک موضوع علمی در قرآن؛ برای مثال، بررسی وجود موجودات زنده در آسمان از منظر آیات قرآن، که گاهی این شیوه به نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن و موضوع‌سازی برای علوم و جهت‌دهی به آن منتهی می‌شود. آنچه از پژوهش بین‌رشته‌ای در این‌جا مقصود است، شیوه‌ی دوم و سوم است، هرچند شیوه‌ی اول یکی از پیامدهای این مباحث خواهد بود.

۷. قواعد اجرای مباحث بین‌رشته‌ای

۱.۷. علوم قرینه‌ی فهم آیات

از آن‌جا که مفسر به دنبال فهم معانی آیات و مقاصد خدای متعال است، می‌کوشد با استفاده از منابع معتبر کتاب، سنت، عقل و علوم تجربی قطعی و با کمک ابزارهایی همچون ادبیات عرب و ... به تبیین معانی آیات و مقاصد الهی بپردازد.

۲.۷. لزوم توجه به هدف دین و مقاصد نزول قرآن و هدف هر سوره و مجموعه‌ی آیات و آیه‌ی مورد نظر

هدف اصلی دین و قرآن هدایت انسان به سوی خداست، ولی معارف قرآن شامل حوزه‌های مباحث متعددی همچون اعتقادات، قوانین و احکام شرعی، اصول و دستورات اخلاقی، آموزه‌های سیاسی، اقتصادی، معارف علمی و ... است.

قرآن کریم اشارات متعددی (در بیش از هزار آیه) به مسایل طبیعت دارد که معمولاً در راستای خداشناسی و معادشناسی است (نک: آیات آغازین سوره رعد و حج) و حتی مسایل تربیتی، اقتصاد و سیاست و ... را در راستای قرب انسان به خدا و سعادت اخروی او جهت‌دهی می‌کند.

از این رو مفسر قرآن باید در تفسیر آیات، به هدف اصلی قرآن و نیز هدف هر سوره و آیات توجه کرده، به صورتی آیات را تفسیر کند که معارض آن هدف نگردد؛ مثلاً اصول و نظام و مسایل سیاسی و اقتصادی و تربیتی را به صورتی سامان دهد که انسان را به غفلت از خدا و معاد سوق ندهد؛ وگرنه تفسیر علمی معتبر نخواهد بود.

۳.۷. لزوم توجه به سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات و سوره‌ها

توجه به سیاق هر آیه یا دسته‌ای از آیات (یعنی فضای کلی حاکم بر آن‌ها) که مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در امر تفسیر، بسیار لازم است. به عبارت دیگر، در تفسیر موضوعی آیات، لازم است به تفسیر ترتیبی نیز توجه شود و نمی‌توان یک جمله‌ی قرآن را بدون توجه به قبل و بعد و هدف کلی سوره تفسیر کرد. هم‌چنین باید به فضای تاریخی و زمان و مکان نزول نیز توجه شود. برای مثال، در سوره‌های مکی، واژه‌ی «زکات» را برخی مفسران «انفاق» معنا می‌کنند (۱۶، ج ۱۴، ص: ۱۹۶)، اما در سوره‌های مدنی، این واژه به معنای مالیات خاص اسلامی است. دلیل این تفاوت آن است که فضای سوره‌های مکی بیشتر بیان توحید و معاد و نبوت است، اما در سوره‌های مدنی به سبب فضای جدید و تشکیل حکومت و جامعه اسلامی، بیان قوانین سیاسی، اقتصادی و ... پررنگ‌تر است.

بنابراین مفسر قرآن نباید در فهم و تفسیر آیات علمی، از سیاق و فضای تاریخی و جغرافیایی آیات غفلت کند.

تذکر مهم: باید توجه داشت که فضای تاریخی و جغرافیایی و شأن نزول‌های آیات موجب انحصار معنای آیات در یک مورد خاص نمی‌شود و مفسر می‌تواند از آن‌ها الغای خصوصیت کند.

۴.۷. لزوم استفاده از علوم تجربی معتبر

با توجه به این‌که علوم تجربی در بسیاری از موارد غیرقطعی است، انطباق نظریه‌های علمی با واقعیت برای انسان روشن نیست؛ با این حال، این علوم کاربردهای خاص خود را در زندگی بشر دارد.

البته گاهی علوم تجربی به حد بدهات حسّی می‌رسد؛ به عنوان مثال، کروی بودن زمین یا آن دسته از یافته‌های علمی که با ریاضیات پشتیبانی می‌شوند (البته در مورد واقع‌نمایی علم، تفسیرهای متعددی وجود دارد که در این جا به یکی از آن‌ها اشاره شد). در مواردی که

علوم تجربی قطعی باشد، تفسیر قرآن با آن‌ها جایز است، بلکه یکی از قراین فهم و تفسیر آیات‌اند که بی‌توجهی به آن‌ها صحیح نیست.

اما در مواردی که علوم تجربی حالتی ظنی دارد و در حد نظریه‌های علمی است، نمی‌توان مطالب علمی پیش گفته را به قرآن و گوینده‌ی آن، یعنی خدای متعال نسبت داد. در این گونه موارد، حداکثر می‌توان گفت: احتمال دارد فلان نظریه‌ی روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی یا سیاسی یا اقتصادی مقصود آیه‌ی قرآن باشد، به ویژه هنگامی که با چند نظریه‌ی رقیب رو به روییم که یکی از آن‌ها مشهورتر است.

برای مثال، در مورد آیه‌ی «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات/۴۷) دو دیدگاه گسترش جهان و انقباض جهان در کیهان‌شناسی را می‌توان مد نظر داشت که هیچ کدام به صورت قطعی اثبات نشده است؛ اما چون ظاهر آیه با دیدگاه نخست سازگار است، می‌توانیم به صورت احتمالی بگوییم که آیه‌ی مزبور نظریه‌ی گسترش جهان را تأیید می‌کند (۸، ج ۱، صص: ۱۴۷-۱۴۲).

۵.۷. لزوم استفاده از قاعده‌ی جری و تطبیق در تفسیر، به ویژه در تفسیر علمی

بسیاری از مطالب قرآن در قالب قصص و آیاتی دارای شأن نزول خاص بیان شده‌اند که می‌توان از آن‌ها الغای خصوصیت زمانی، مکانی و فردی کرده، در مصادیق جدید هر عصر استفاده کرد.

پس باید با به دست آوردن هدف و ملاک اصلی آیه و الغای خصوصیات غیر دخیل در هدف، قواعد کلی موجود در آیات را استنباط کنیم و بر مصادیق جدید زمان خویش تطبیق کنیم.

از این رو قصص قرآن و مطالب آن (مثل داستان لوط در نفی مشروعیت هم‌جنس‌گرایی) منبع خوبی برای فهم معارف قرآن و تطبیق آن بر زمان حاضر است.^۷

۸. معیارهای مباحث میان‌رشته‌ای یا تفسیر علمی معتبر

تفسیر علمی قرآن یا استنباط و برداشت‌های علمی از قرآن کریم معیارهای خاصی دارد که عدم توجه به آن‌ها به بی‌اعتبار شدن تفسیر علمی یا تفسیر به رأی می‌انجامد. از جمله الف) استفاده از علوم تجربی قطعی در تفسیر آیات (و محتمل دانستن استنباط‌هایی که به علوم قطعی مستند نیست)؛

ب) مفسر از علم تجربی مورد نظر، شناخت کافی داشته باشد؛

ج) مطلب علمی استنباط شده با نص یا ظاهر آیه یا آیات، سازگاری داشته باشد.

تذکر: رعایت معیارها و ضوابط عام تفسیر (مثل استفاده از روش و منابع و قراین معتبر در تفسیر و واجد صلاحیت بودن مفسر و ...) در تفسیر علمی نیز لازم است.

۹. کارکردهای مباحث رشته‌ای

۹.۱. فهم بهتر آیات قرآن و تفسیر روزآمد قرآن کریم

برخی آیات قرآن مطالبی را در زمینه‌ی پزشکی، کیهان‌شناسی و ... بیان کرده‌اند که با توجه به پیشرفت‌های جدید علمی، نکات جدیدی از آن‌ها فهمیده می‌شود و تفسیر بهتری از آن‌ها ارائه می‌شود. مثلاً اشاره به صلب و ترائب و مراحل خلقت انسان (حج/۵، مؤمنون/۶ و ۱۲) و مباحث کیهان‌شناسی (یس/۳۸) و ... از مصادیق این نوع از آیات‌اند.

۹.۲. پاسخ به پرسش‌های نوآمد

قرآن با نیازها و علوم روز بشر پیوند خورده، پاسخ‌گوی پرسش‌های جدید بشر است و هدایت قرآن در همه‌ی ابعاد زندگی بشر جاری می‌باشد. پرسش‌های جدید در علوم مختلف مطرح می‌شود و مفسر علمی با دقت و رعایت ضوابط، تلاش می‌کند از آیات الهی پاسخ مناسب آن‌ها را بیابد. مثلاً سکولاریسم، پلورالیسم و دموکراسی و ... پرسش‌های زمانه‌ی ماست که قرآن می‌تواند پاسخ‌گوی آن‌ها باشد. البته در این‌جا مفسر علمی آیات موافق و مخالف را گردآوری کرده، با بی‌طرفی به استنباط از آن‌ها می‌پردازد.

۹.۳. نظریه پردازی‌های علمی قرآن (جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی و

موضوع‌سازی برای علوم)

برخی اشارات علمی در قرآن وجود دارد که هرچند هنوز به صورت پیشگویی‌های علمی باقی مانده و از سوی علوم تجربی اثبات یا نفی نشده است، دورنمای مثبتی برای آن‌ها وجود دارد که می‌توان این دیدگاه‌های قرآنی را در هر علم، به صورت حقایق قرآنی و نظریه‌های علمی قرآن ارائه کرد.

برای مثال، مسأله‌ی گسترش جهان در کیهان‌شناسی بر اساس آیه «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات/۴۷) و مسأله‌ی موجودات زنده در آسمان‌ها بر اساس آیه «وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ» (شوری/۲۹) مطرح می‌شود.

در بسیاری از آیات قرآن نیز از مبانی و اصول و قوانین سیاست، اقتصاد، مدیریت و ... مطالبی بیان شده است که می‌توان از آن‌ها در نظام‌سازی و جهت‌دهی به علوم انسانی استفاده کرد. برای مثال، بر اساس آیات نفی ربا، می‌توان نظریه‌ی اقتصاد بدون ربا را مطرح کرد و نیز از ماجرای طالوت «وَوَازَاةً بَسُطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره/۲۴۷) و از داستان یوسف «إِنِّي خَفِيفٌ عَلِيمٌ» (یوسف/۵۵) و موارد مشابه می‌توان شرایط مدیر را استنباط کرد.

۹.۴. اعجاز علمی قرآن

برخی آیات به مطالبی علمی اشاره کرده‌اند که در عصر نزول قرآن، بشر به طور عادی بدان‌ها دسترسی نداشته است و بعد از مدت‌ها دانشمندان علوم تجربی آن‌ها را کشف کرده‌اند؛ مثل زوجیت عام موجودات و جاذبه‌ی عمومی و ... که این موارد از اعجازهای علمی قرآن شمرده می‌شود (۸، ج ۱، ص: ۱۴۸). در این گونه موارد، بشر از دسترسی به چنین اطلاعاتی قبل از کشف آن‌ها عاجز بوده است، اما قرآن به صورت اخبار غیبی از آن‌ها پرده برداشته است. بنابراین مفسر علمی قرآن باید به دنبال این گونه موارد (با رعایت شرایط و قواعد) باشد.

۱۰. موانع و آفات مباحث میان‌رشته‌ای

الف) تحمیل نظریه‌های علمی به قرآن، یعنی مطالبی را به قرآن نسبت دادن که ظاهر آیه آن را بر نمی‌تابد. این کار همان تفسیر به رأی است.
 برای پرهیز از این آفت، لازم است که محقق از شیوه‌ی معتبر مطالعات علمی قرآن، یعنی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن (نه استخراج همه‌ی جزئیات علوم از قرآن و نه تحمیل نظریه‌ها بر قرآن) استفاده کند و ظواهر قرآن را در نظر بگیرد و مطلب مخالف ظاهر و مطالب علمی غیر قطعی را به قرآن نسبت ندهد؛
 ب) به دنبال استخراج همه‌ی جزئیات علوم از قرآن، که معمولاً منتهی به تفسیر غیرمعتبر و گاهی تفسیر به رأی می‌شود؛
 ج) عدم توجه به اهداف اساسی دین و قرآن و سوره‌ها و آیات، که به تفسیر علمی غیر معتبر منتهی می‌شود؛
 د) غفلت از سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات علمی قرآن، که منتهی به فهم و تفسیر ناقص قرآن می‌گردد؛
 ه) پرداختن به تفسیر علمی، بدون بهره‌مندی از شرایطی که چنین مفسری باید واجد باشد؛ یعنی تفسیر قرآن بدون علم و آگاهی، که نوعی تفسیر به رأی است.

۱۱. جمع بندی و نتیجه‌گیری

روش تحقیق میان‌رشته‌ای از شیوه‌های مفید در مطالعات قرآنی است و به روشن شدن زوایای مجمل آیات و تولید علم جدید منتهی می‌شود. با این حال، این روش نیز هم‌چون روش‌های مطالعاتی دیگر، آسیب‌هایی دارد که لازم است محقق آن‌ها را بشناسد و از آن‌ها برحذر باشد.

یادداشت‌ها

1- interdisciplinarity study

۲- در سال ۱۳۸۴ ش. برای نخستین بار در جهان رشته دکتری تفسیر تطبیقی در جامعه المصطفی (ص) العالمیه راه اندازی شد که در این رشته، دانش‌پژوهان به بررسی تطبیقی تفاسیر شیعه و سنی می‌پردازند.

3- multipleorigens

۴- برخی مراکز مثل پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (گروه قرآن و علم) داخل ایران و رابطه العالم الاسلامی عربستان و المعهد الفکر الاسلامی در مورد مباحث بین رشته‌ای قرآن و علوم، فعالیت می‌کنند و در جامعه المصطفی (ص)، اخیراً رشته دکتری قرآن و علوم با گرایش‌های مختلف (علوم تربیتی، اقتصاد، مدیریت، حقوق، نجوم و...) راه اندازی شده است. ۵- برخی صاحب‌نظران تعداد آیات مربوط به علوم طبیعی و انسان را ۱۳۲۲ مورد دانسته‌اند (۳، ص: ۲۸۹).

۶- البته ما نمی‌خواهیم در این‌جا در مورد امکان دینی و معانی آن بحث کنیم؛ ولی فی الجمله روشن است که سیاست و اقتصاد مبتنی بر آیات قرآن با سیاست سکولار و اقتصاد بدون ربا متفاوت است؛ و به عبارت دیگر، مکتب و نظام اقتصادی اسلام غیر از اقتصاد غیر دینی است.

۷- در مورد این‌که آیا اجرای قاعده جری (۱۱، ج ۱، ص: ۱۱۰) به صورت فوق، از موارد بطن‌گیری از آیات هست یا نه، بین صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد و برخی بزرگان معاصر هم‌چون آیت الله معرفت (ره) این مورد را بطن‌قرآن می‌نامند (۱۵، ج ۱، صص: ۳۱ - ۲۹). ولی ما در این‌جا اصل این مسأله را در نظر داریم که قاعده‌ای متخذ از روایات اهل بیت (ع) است. هم‌چنین می‌توان در این‌جا به قاعده‌ی مشهور در اسباب‌النزول اشاره کرد که «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد».

منابع مطالعات فریبندی

۱. آخوند خراسانی، (۱۴۰۶ق)، کفایه الاصول، شرح سید محمد حسین شیرازی، قم: دارالایمان.
۲. ابن سینا، شیخ رئیس ابوعلی، (۱۹۰۸ م)، رسائل، چاپ هند.
۳. الحبال، (بی تا)، العلوم فی القرآن، بیروت: چاپ دارالمعرفه.
۴. ذهبی، محمد حسین، (۱۹۷۶م)، التفسیر و المفسرون، قاهره: دارالکتب الحدیث، چاپ دوم.
۵. رازی، فخرالدین، (۱۴۱۱ق)، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. رضائی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۷۵)، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم: انتشارات اسوه.

۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، *منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن*، قم: نشر مرکز جهانی علوم اسلامی.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، رشت: انتشارات کتاب مبین.
۹. طباطبایی، علامه محمدحسین، (۱۳۹۳ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۰. طنطاوی جوهری، (۱۴۲۵ق)، *الجواهر فی تفسیر القرآن*، قاهره: دار الفکر.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
۱۲. فرامرزی قراملکی، احد، (۱۳۸۰)، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۴. مظفر، محمدرضا، (۱۳۶۸)، *اصول الفقه*، تهران: انتشارات المعارف الاسلامیه.
۱۵. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۳)، *التفسیر الاثری الجامع*، قم: مؤسسه التمهید.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۸)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.